

ازبرخوانی، کمک‌ابزار آموزشی مؤثر، اما غایب در ساختار نظام آموزش زبان خارجی در ایران

آذین حسین‌زاده*

استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه حکیم سبزواری
سبزوار، ایران

الهام علیزاده**

دانشجوی دکتری آموزش زبان فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس تهران
تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۷، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۳/۲۱، تاریخ چاپ: تیر ۱۳۹۶)

چکیده

صحبت بر سر چگونگی آموختن زبان خارجی، گفتاری بحث‌برانگیز است. بسیاری در این زمینه نظریه‌پردازی کرده‌اند. ازبرخوانی، از مهم‌ترین ابزارهای شناخته‌شده‌ای است که در گذشته، در کشور ما و به‌ویژه در مدارس بین‌المللی دوزبانه کاربرد فراوان داشته است. در پی برچیده شدن این گونه مدارس، ازبرخوانی نیز تا حدود فزاینده‌ای از گستره روش‌های زبان‌آموزی برون‌رفته و به‌دست فراموش سپرده شد. در این مقاله، تلاش کرده‌ایم تا با توجه به تشکیل کمیته‌های تخصصی برای کاربست پاره‌ای دگرگونی‌ها در سرفصل دروس، با پژوهش میدانی و استناد به تجربه‌های بخشی از دانش‌آموزانی که پیش از این در این مدارس درس خوانده و هم‌اکنون به تدریس زبان خارجی در دانشگاه‌ها مشغولند و نیز با به‌کارگیری این شیوه آموزش، بین دو گروه مختلف از دانشجویان، یکی با استفاده از ازبرخوانی و دیگری بدون استفاده از آن، سهم انکارناپذیر این ابزار را بررسی و بر به‌کارگیری دوباره آن تأکید کنیم.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان خارجی، ازبرخوانی، ترانه، رویکرد ارتباطی، مدارس بین‌المللی.

* azinekaty@yahoo.fr

** elham2007alizadeh@yahoo.com

پیشینه

ازبرخوانی^۱، از زمره راهکارهایی است که از دیرباز در کلاس‌های آموزشی کاربردی داشته‌است. برخی بر این باورند که این رویکرد، به‌جهت ماهیت، ویژه کلاس‌های ادبیات و شعر است؛ چه، نیک می‌دانیم که تأکید نظام آموزشی بر اولویت درک بر محفوظات است. این در حالی است که استفاده از زبان، بدون درک آن، هرگز روا نیست. امروز شواهد دال بر این است که گرایش دانش‌آموزان به‌سوی کسب مهارت در تست زدن، با هدف پذیرش در آزمون‌های مختلف، به‌ویژه در کنکور سراسری ورود به دانشگاه‌هاست که سبب شده تا سطح یادگیری به حد چگونگی تست زدن نزول کند و در این راستا، هدف اصلی آموزش، یعنی یادگیری به‌فراموشی سپرده شود. دوگانگی ماهوی ازبرخوانی با تست زدن نیز در همین نکته نهفته است. با این همه، روش‌هایی همچون رویکرد آمریکایی شنیداری-گفتاری^۲ است که بر مبنای آن، زبان‌آموز باید گفت‌وگوهای مشخص و متناسب با نوع کاربرد را حفظ و از شگرد به‌خاطر سپردن^۳ برای یادگیری استفاده کند. در ایران، در زمینه نقش حافظه در آموزش زبان، پژوهش‌هایی اندک، آن‌هم در قالب پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد انجام گرفته است، اما تاکنون این گونه پژوهش‌ها، به‌ویژه در زمینه ازبرخوانی، شکل جامعی به‌خود نگرفته. از همین رو، بر آن شدیم تا با نگرش به‌اهمیت موضوع و با استناد به‌مطالعات عملی صورت‌گرفته، به‌مدت یک سال، و تکیه بر جامعه آماری مشخص در دو محیط آموزشی معتبر (دانشگاه و آموزشگاه زبان خارجی) نتیجه بررسیدن و پژوهش خود را در این مقاله بازتاب دهیم.

بایستگی بحث

ازبرخوانی در گذشته‌ای نه‌چندان دور در برخی از مدارس بین‌المللی یا، به‌تعبیری، دوزبانه کشورمان، به‌عنوان یکی از «دروس اجباری» در برنامه آموزشی مقطع ابتدایی تعریف شده بود. فرانسویان نقش مهمی در تأسیس این دست مدارس داشتند. نخستین مدرسه بین‌المللی، سن‌لویی نام داشت که در سال ۱۲۴۱ خورشیدی تأسیس شد و در پی آن، مدارس دوزبانه دیگری نیز مانند ژاندارک، آلیانس، رازی و انستیتو مریم بنا گردید. بیشتر این مدارس (به‌جز رازی)، در آغاز به کار، توسط کشیشان و مروجان مذهبی فرانسوی راه‌اندازی شدند، ولی با

1. Récitation
2. Audio-orale
3. Mémorisation

گذشت زمان، معلمان ایرانی نیز در اداره این مدارس مشارکت ورزیدند. تجربه موفق زبان‌آموزی آنانی که در این مدارس با زبان فرانسه آشنا شدند و تکیه بر شیوه‌های مؤثر و کارآمد در یاددهی زبان خارجی و البته تجربه شخصی یکی از نویسندگان این پژوهش، که خود در این مدارس تحصیل کرده، ما را بر آن داشت تا یکی از سازوکارهای موفق این گونه مدارس، یعنی ازبرخوانی را در یکی از کلاس‌های آموزشی خود به صورت عملی به اجرا بگذاریم. نتایج حاصل از این پژوهش میدانی نشان داد که به‌رغم تأکید نظام آموزشی بر اولویت درک بر محفوظات، در گستره زبان، باید راهکاری متفاوت را برگزید و با تکیه بر تجربه‌های پیشین، بار دیگر در برنامه‌ریزی‌ها تأمل کرد و پذیرفت که این شگرد کارا که دروغا هم‌اکنون فقدانش به نحوی محسوس در آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها مشاهده می‌شود، می‌تواند جایگاه پیشین خود را به دست آورده و زمینه‌ساز دستیابی به اهداف کلان آموزشی باشد.

مقدمه

در مباحث آموزش زبان، منابع واقعی یا غیرآموزشی^۱ که از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، در تقابل با منابعی قرار می‌گیرند که تنها با هدف آموزش تهیه شده‌اند. منابع غیرآموزشی به منابعی گفته می‌شود که ناگزیر برای آموزش در کلاس آموزش زبان تدارک دیده نشده‌اند. برای مثال، بالزاک کتاب بابا گوربو را با هدف تدریس در کلاس آموزش زبان فرانسه نوشته است، اما مدرس می‌تواند از این کتاب برای رسید به هدف‌های آموزشی خویش بهره‌برد. استفاده از این گونه منابع بیش از همه در سال‌های ۱۹۷۰ و با تکیه بر روش یادگیری یکپارچه با ابزار سمعی-بصری (SGAV)^۲ برای سطح ۲ بود که رواج یافت. این در حالی است که در روش‌های متأثر از رویکردهای ارتباطی^۳، این راهکار از همان آغاز، در سطوح و مراحل بسیار اولیه یادگیری، مورد استفاده قرار گرفت. ترانه‌ها از زمره منابع غیرآموزشی محسوب می‌شوند که در کلاس آموزش زبان کاربرد فراوانی دارند. این منبع، به دلیل آهنگین بودن، جذابیت زیادی برای زبان‌آموزان دارد. ضرباهنگ موجود در ترانه‌ها به زبان‌آموزان کمک می‌کند که با سهولت بیشتری به ازبرخوانی بپردازند. در آموزش زبان باید در نظر داشت که یادگیری زبان خارجی فقط به معنای یادگیری ساختارها و دستور زبان نیست، بلکه به مثابه یادگیری چگونگی

1. Document authentique

2. Méthode structuro globale audio-visuelle

3. Approche communicative

برقراری ارتباط با دنیایی جدید است. در این راستا، زبان‌آموز باید در کسب ۴ مهارت^۱ توفیق یابد: خواندن، گوش دادن، صحبت کردن و نوشتن. ولی در رویکردهای آموزشی نوین، افزون بر کسب ۴ مهارت یادشده، بحث مهارت چگونه بودن^۲، چگونه یاد گرفتن^۳ و چگونه اجراء کردن نیز مطرح می‌شود. یادگیری این مهارت‌ها ارتباط تنگاتنگی با مسئله یادگیری زبان و فرهنگ خارجی دارد. اینجاست که بایستگی پرداختن به مقوله مهم بینا فرهنگی در آموزش زبان خارجی، به‌عنوان یکی از ارکان مهم آموزش مطرح می‌شود. به‌گفته پژوهشگران^۴ "اولین مطلبی که در اینجا به‌چشم می‌خورد این است که آموزش یک زبان، در نهایت با آموزش فرهنگ توأمان است [...] تجربه به‌ما می‌آموزد که اگر بتوانیم به‌راحتی به‌یکی از زبان‌های خارجی سخن بگوییم، معنایش این است که به‌طور مستقیم، به‌فرهنگی هدایت می‌شویم که این زبان وسیله انتقال آن است". (Passel & Grève:192)

یادگیری زبان خارجی، در واقع بخشی از فرآیند دگرگونی و تحول عمیق در جهان‌بینی است. این دگرگونی‌ها، نه فقط در ارتباطات فکر و زبان، بلکه فراتر از آن و در سطح ارتباط با دنیایی ورای دنیای کنونی زبان‌آموز امکان بروز می‌یابد. زبان‌آموز افزون بر یادگیری زبان خارجی، خواه ناخواه با فرهنگ آن زبان خارجی نیز مأنوس می‌شود. آموزش زبان، جریان فرهنگی است و رویکرد ارتباطی به‌خوبی بر بایستگی جریان فرهنگی در آموزش زبان تأکید ورزیده‌است. این رویکرد، با تکیه بر این مهم که "با ارتباط برقرار کردن، می‌آموزیم ارتباط برقرار کنیم"، خود را در برابر تنوع بافت‌های یادگیری سازگار و پذیرا نشان می‌دهد. (رحمتیان، ۱۳۹۲:۷۳) گفتیم که آموزش زبان خارجی با یادگیری فرهنگ آن زبان توأمان است. تجربه نشان داده که آشنایی با یکی از زبان‌های خارجی، ما را به‌نحوی مستقیم با فرهنگی در ارتباط قرار می‌دهد که از دل این زبان برخاسته است. حال، با توجه به‌آنچه گفته شد، می‌توانیم به‌بررسی نقش یکی از شاکله‌های مهم فراگیری زبان خارجی، یعنی ازبرخوانی، به‌مثابه یکی از بایسته‌های امور فرهنگی بپردازیم و به‌اتفاق بنگریم که چگونه می‌شود با ازسرگیری این شیوه در کلاس‌های آموزشی، گامی مؤثر در یادگیری زبان دوم در ایران برداشت.

1. Habileté
2. Savoir-être
3. Savoir-apprendre
4. Savoir-faire

بحث و بررسی

ازبرخوانی^۱ اساساً به چند دسته تقسیم می‌شود؛ شعر، ترانه (همراه یا بدون موسیقی)، متن مثنوی مانند داستان و، در نهایت، خوداملایی یا اتودیکته. در آموزش زبان خارجی، ازبرخوانی با تکیه بر شعر و ترانه می‌تواند به‌عنوان ابزار مهم کمک آموزشی^۲ برای دریافت توانش زبانی و فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد، چرا که ترانه‌ها بیشتر به‌واسطه گره خوردن با فرهنگ کوچک، می‌توانند در زمینه زبان و فرهنگ نیز نقش بسیار مهمی برعهده داشته باشند. هر ترانه‌ای، با توجه به قلمرو جغرافیایی خواننده و سراینده‌اش، می‌تواند بیانگر ظرفیت‌های فرهنگی زبان مقصد باشد و با ایجاد انگیزه‌ای مضاعف و فضایی پویا و جذاب برای زبان‌آموز، در پیشبرد اهداف آموزشی مدرس مؤثر واقع شود. ترانه، بخشی از هنر جامعه، و هنر زیر مجموعه‌ای از فرهنگ آن جامعه است. ترانه، عطف به ساختارش، بیانگر نظم و ترتیب درونی و همچنین تجربه احساس عمیقی است که می‌تواند در حکم ابزار کمک آموزشی بی‌نظیری برای مدرس زبان باشد. برای اغلب ما، ترانه و شاکله‌هایش ساختاری غیر قابل جایگزین است.

ژان هوسی^۳ در کتاب خود با عنوان مثلث آموزشی^۴ مدعی می‌شود که "آموزش، هم‌چون مثلثی است که از سه عامل تشکیل شده: ابتدا آنچه آموخته می‌شود، سپس مدرس و در نهایت شاگردی که می‌آموزد" (Houssaye, 1998:30). مدرس، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش زبان، نقش مهمی در برنامه‌ریزی و هدایت کلاس دارد و باید بتواند در کلاس، انگیزه یادگیری را افزایش دهد. انگیزه، عامل مهمی است که هم مدرس و هم شاگردی که زبان می‌آموزد، باید هر دو از آن برخوردار باشند. یکی از راه‌های تقویت انگیزه، از طریق ایجاد محیط دوستانه در کلاس است که میسر می‌شود. محیط کلاس باید محیطی سرشار از همکاری و کارهای گروهی باشد و معلم، در این میان، باید با برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند، کلاس را اداره کند. با توجه به این‌که بیشینه زبان‌آموزان، چه در آموزشگاه‌های زبان و چه در دانشگاه‌ها، جوانان جامعه‌اند و از آنجایی که موسیقی و ترانه، جذابیت به‌نسبت بیشتری برای آنان دارد، بنابراین، استفاده از این دو در کلاس آموزش زبان، می‌تواند راهکار موثری در آموزش زبان محسوب شود. سازماندهی صحیح کلاس آموزش زبان فرانسه بر مبنای استفاده از ترانه یا ازبرخوانی، حرکت مهمی است

1. Récitation

2. Support

3. Jean Houssaye

4. Le triangle pédagogique

که مدرس می‌تواند با تکیه بر آن، انگیزه یادگیری را افزایش دهد. از این‌رو، انتخاب متن (در خوداملایی) یا شعر یا ترانه‌ای که قرار است از برخوانی شود و همچنین رمزگشایی نکات نهفته آموزشی در آن، نقش به‌سزایی در بهینه‌سازی قدرت یادگیری ایفا خواهد کرد.

به‌هنگام کار با ترانه، مدرس می‌تواند لحن خواننده و همچنین فحوای متن مورد نظر را با استفاده از حرکات یا ژست، قابل فهم‌تر کند. تردیدی نیست که شعر یا ترانه، مثل هر منبع آموزشی یا غیرآموزشی دیگری که مدرس با هدف آموزش در کلاس استفاده می‌کند، واژه‌هایی دارد که برای زبان‌آموز نا آشناست. مدرس می‌تواند هم‌زمان با تشویق زبان‌آموزان به‌گوش دادن، این کلمات را با دگرگونی‌هایی که در حالات چهره خویش می‌دهد، یا با ژست و حرکات کلی بدن، برای زبان‌آموز قابل فهم کند. بدینسان، می‌بینیم که این شیوه، در واقع، در راستای همان اهدافی قرار می‌گیرد که بدان جنبش‌شناسی^۱ می‌گویند، یعنی "علمی که در آن، حرکات بدن که در فرایند ارتباطی دخیلند". (رحمتیان، ۱۳۹۲: ۲۲۶) این‌گونه است که زبان‌آموز، در بسیاری از موارد، بی‌آنکه معادل یا ترجمه‌ای از واژه‌ای خاص به‌او ارائه شود، آن را بدون واسطه و در همان قالبی که هست فرا می‌گیرد. بدین ترتیب، مدرس می‌تواند با ایجاد فضایی شاد و در آن واحد پویا که محصول مستقیم از برخوانی به‌ویژه در قالب ترانه است و خلق بازی‌های آموزشی ناشی از آن، زبان‌آموز را با محیطی جذاب و مفید و به‌دور از خستگی و ملال آشنا سازد. چنین محیطی به او امکان می‌دهد تا صرف‌نظر از آموزش واژه‌های بیگانه و هم‌چنین تلفظ صحیح آن‌ها، به‌ساختارهای دستور زبان، املا و مترادف‌ها و متضادها نیز توجه ویژه داشته باشد. در روش‌های آموزش سنتی، کمبودی که بیش از همه مشاهده می‌شود، احساس لذت^۲ توأم با یادگیری است. این نکته انکارناپذیر را باید پذیرفت که بسیاری از زبان‌آموزان، به‌ویژه آن‌دسته که کم‌سن‌وسال‌ترند، بیشتر از سر اجبار سر کلاس حاضر می‌شوند نه از سر اختیار. دانشجویان زبان خارجی نیز بیشتر با معضل کم‌رویی در جمع مواجهند. از برخوانی به‌مدرس امکان می‌دهد تا با تحریک و ترغیب، زبان‌آموز را برانگیزد تا در کار گروهی مشارکت کند، از کلاس و دیگر دوستان عقب نماند و هم‌چنین با فراموش کردن و غلبه بر احساس شرم و کمرویی و ترس ناشی از این‌که مبادا در کارکرد خود مرتکب اشتباه شود، به‌جمع هم‌کلاسی‌ها بپیوندد.

1. Kinésique

2. Plaisir

از زمره خصایص دیگری که باید در سازوکار ازبرخوانی سراغ کرد و سبب تمییز آن از دیگر کمک ابزارهای آموزشی می‌شود، وجود ضرباهنگ است. ضرباهنگی که در شعر یا ترانه است، به‌زبان‌آموز کمک می‌کند تا فقط به حافظه شنیداری یا دیداری خود تکیه نداشته باشد و از حافظه موسیقایی خویش نیز بهره ببرد؛ این‌گونه است که ازبرخوانی، در کنار وجهه آموزشی، بعدی سرگرم‌کننده^۱ و تفریحی نیز می‌یابد که هر کسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نقش ترانه‌ها در فرایند یادگیری، نقشی شتاب‌دهنده است. از آن‌جایی که ضرباهنگ، نوا و هم‌چنین قافیه می‌تواند خواه مجزا و خواه در کنار هم، کار ازبرخوانی را آسان‌تر کند، در نتیجه، یادگیری به‌جای این‌که مقطعی و موقتی باشد، طولانی‌مدت خواهد بود. از همین رو، زبان‌آموز می‌تواند به‌کمک ترانه‌های ضرباهنگ‌دار، به‌آسودگی کلمات بیگانه را به‌خاطر بسپارد و با تکرارهایی که با لذت همراه است، عادت کند که به‌صورت خودکار و حتی در محیط خارج از کلاس، از ساختارهای صحیح و درست زبان دوم استفاده کند. این در حالی است که نه تنها رنج و سختی زیادی در حفظ و به‌خاطر سپردن آن‌ها متحمل نشده، بلکه این ساختارها را با طیب خاطر و از روی رغبت هر روز با خود زمزمه و تکرار کرده است. ازبرخوانی متون منظوم یا ترانه حتی زبان‌آموزان به‌نسبت ضعیف‌تر را هم، به‌یادگیری تشویق می‌کند و به‌آن‌ها این امکان را می‌دهد تا بر ضعف خود غلبه کنند، با جمع همداستان و همنوا شوند و با اطمینان به‌نفس بیشتری در فعالیت‌های آموزشی شرکت کنند و به‌خود باور داشته باشند.

زبان‌آموز برای تسلط بر شیوه تلفظ صحیح واژه خارجی، باید نخست توانمندی شنیداری خود را تقویت کند، یعنی اصوات آن واژه را درست تشخیص و از هم تمییز دهد. از آن‌جایی که ساختار آوایی هر زبان با زبان دیگر متفاوت است، در گام نخست، باید گوش را به‌شنیدن آوای جدید عادت داد تا زمینه برای شبیه‌سازی آوایی فراهم، و امکان تلفظ درست مهیا شود. می‌دانیم که آموزش زبان به شیوه شنیداری - دیداری^۲ و گفت‌وگو از رایج‌ترین شیوه‌های آموزشی است. در این میان، درست شنیدن و درست گوش دادن - ادای صحیح کلمات و اصوات - باعث می‌شود تا درست خواندن و درست نوشتن نیز تسهیل شود. درست شنیدن مستلزم درست گوش دادن است. تکرار سرگرم‌کننده و مفرح کلمه‌ها در حین ازبرخوانی و استفاده از آن‌ها در موقعیت‌های مناسب، به‌ثبت صحیح تلفظ و آوای جدید در ذهن زبان‌آموز

1. Ludique

2. Audio-visuel

کمک می‌کند. در تحلیل خطاهای زبان‌آموزان متوجه خواهیم شد که بیشترین خطای آنان در بخش شنیداری است که رخ می‌دهد. زبان‌آموز واژه‌هایی را می‌شنود که به گوشش آشنا نیست و معنایش را نیز نمی‌داند و از لحاظ دیداری نیز برایش غریب است. آشنا کردن^۱ گوش با کلمه‌ها مستلزم فراگرفتن روند صحیح گوش دادن است. بیشتر زبان‌آموزان، هنگام گوش دادن، با مشکل عدم تمرکز و کم‌توجهی مواجهند که یکی از دلایل اصلی ایجاد اختلال در روند یادگیری محسوب می‌شود. ترانه به دلیل ضرباهنگی که دارد برای زبان‌آموز جذابیت بیشتری دارد و باعث می‌شود تا با دقت بیشتری به موضوع درس توجه کند.

امروزه، دسترسی به ترانه‌ها، به‌عنوان یکی از منابع فرهنگی مهم و ابزارهای ازبرخوانی، به‌کمک رسانه‌ها و به‌ویژه اینترنت، برای مدرس آسان شده، چنانچه بخواهیم آموزش زبان در سطوح پیشرفته موثر واقع شود به‌محتوای درسی غنی و برنامه‌ریزی‌شده نیاز داریم، یعنی مدرس باید برنامه آموزشی^۲ مدون داشته باشد و اهداف آموزشی را پیش از شروع کلاس درس برای خود تهیه و مشخص کرده باشد؛ این نکته تنها جنبه انگیزشی ندارد، بلکه ماهیت زبان اقتضا می‌کند که پیشرفت عملی و نظری، هر دو، در آموزش برای زبان‌آموز آشکار باشد. مدرس می‌تواند با کمک ازبرخوانی و به‌ویژه شعر و ترانه، دل‌نگرانی زبان‌آموز را در باره این که آیا پیشرفتی حاصل شده یا نه بر طرف کند. بدین ترتیب، انتخاب متن، شعر یا ترانه مناسب و سازگار با اهداف آموزشی، می‌تواند یکی از وظایف مهم مدرس محسوب شود. ما برای بررسی ثمربخشی این رویکرد آموزشی تصمیم گرفتیم تا آن را در محیط آموزشی به‌اجرا بگذاریم و بدین ترتیب به‌این نتیجه رسیدیم که این شیوه می‌تواند راهکاری موثر در یادگیری زبان باشد. ترانه‌ای را که در این خصوص برگزیدیم «راز»^۳ نام دارد و کلاسی که این طرح در آن به آزمایش گذاشته شد سطح A1 زبان فرانسه است. در گام نخست، این شیوه را برای سه جلسه متوالی به‌اجرا گذاشتیم و با استقبال خوب زبان‌آموزان روبه‌روجه شدیم. در پایان جلسه دوم، تقریباً تمام زبان‌آموزان توانسته بودند ترانه را از حفظ بخوانند؛ کیفیت ازبرخوانی نیز موفقیت‌آمیز بود، یعنی اغلب زبان‌آموزان ترانه را بدون غلط آوایی و با تلفظ صحیح فرانسوی و کم و بیش وفادار به‌لحن خواننده می‌خواندند.

دست‌اندرکاران امور آموزشی آگاهند که یکی از مشکلات اساسی مدرس این است که

1. Familiarisé
2. Fiche pédagogique
3. Mystère

زبان‌آموزان متنی را که بدانان ارائه شده است، اشتباه می‌خوانند. زبان‌آموز، بیشتر مبتدی‌ها، توجهی به نشانه‌گذاری‌های متن ندارد و لحن صدای خویش را نمی‌شنود. اما در کلاسی که ترانه به‌عنوان یک کمک‌ابزار آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، زبان‌آموز بعد از شنیدن ترانه، نه تنها محتوای متن، بلکه لحن خواننده را نیز حفظ می‌کند. در این زمینه، بلیایف می‌گوید: "مدرس می‌تواند با هدف پرورش نیروی نتیجه‌گیری شاگردان، گاهی از آنان بخواهد که پس از بررسی نمونه‌های مشخص، خودشان قواعد دستوری خود را نتیجه‌گیری و بیان کنند. اگر معلم شاگردان را در بخردی آزادانه ورزیده نکند، شاگردان هرگز نمی‌توانند تخیل خویش را در هیچ زمینه‌ای هویدا سازند" (بلیایف، ۱۳۳۸: ۱۲)

ما با علم به این نکته و به‌کارگیری ازبرخوانی توانستیم بسیاری از نکات دستوری موجود در متن ترانه را به زبان‌آموزان تدریس کنیم. این کار در بیشتر موارد با گمانه‌زنی‌های خود زبان‌آموزان و بدون دخالت مستقیم مدرس همراه بود. می‌دانیم که آموختن دستور زبان یکی از سخت‌ترین و ملال‌آورترین موارد آموزشی محسوب می‌شود؛ بیشتر زبان‌آموزان دستور زبان را درسی دشوار و خشک می‌دانند. این در حالی است که ما در پژوهشی میدانی برای زبان‌آموزان سطح A2 زبان فرانسه، به‌عینه مشاهده کردیم که آموزش مبحث مصدر، مفرد و جمع کلمات، زمان گذشته افعال حرکتی و حتی آشنایی با برخی از حروف اضافه به‌کمک ترانه «راز»، با سهولت بیشتری ممکن شد. با پیشرفت کار، بسیاری دیگر از مباحث دستوری مانند افعال، زمان‌ها، صفت و موصوف، مضاف و مضاف‌الیه، مسند و قید و... نیز در محیطی پویاتر و بانشاط و، این‌بار، با تکیه بر عناصر فرازبانشناختی^۱ مانند لحن و ضرباهنگ تدریس و آموزش داده شد. استفاده از ترانه به‌ما اجازه می‌دهد تا به سطوح مختلف زبانی، به‌ویژه زبان و گفتار شفاهی وارد شویم. این گفتار شفاهی می‌تواند در سطحی صمیمی و خودمانی باشد. بیشتر زبان‌آموزان در کلاس از صحبت کردن می‌هراسند و مدرس باید با استفاده از شگردهای آموزشی-روانشناختی، زبان‌آموز را ترغیب به گفتگو و مشارکت در فعالیت‌های کلاسی کند. بیشتر جوانان به موسیقی علاقه‌مندند. ما در کلاس، از زبان‌آموز منزوی سوال‌هایی را به‌زبان فرانسه مطرح کردیم؛ برای مثال، پرسیدیم آیا شما به موسیقی علاقه دارید؟ کدام خواننده را بیشتر دوست دارید؟ آیا خوانندگان فرانسوی زبان را می‌شناسید؟ چه سبک موسیقی را بیشتر می‌پسندید؟ و هنگامی که موفق شدیم زبان‌آموز منزوی و کم‌رو را وارد بحث کنیم، آنگاه

سوالات را به صورت گروهی مطرح کردیم؛ برای مثال، ترانه‌ای را برای آنان پخش کردیم و سپس پرسیدیم شما چه عنوانی را برای این ترانه انتخاب می‌کنید؟ چرا؟ به نظر شما خواننده ترانه چطور آدمی است؟ ظاهرش چگونه است؟ به این ترتیب، در یک کلاس توانستیم به لطف یک ترانه زیبا، به اهداف آموزشی خود دست یابیم. این ترفند اجازه داد تا ما، هم دستور زبان درس دهیم، و هم دامنه لغت زبان‌آموزان را گسترده‌تر کنیم، هم اهمیت لحن را به آن‌ها گوشزد کنیم و هم مکالمه را در کلاس به گونه‌ای پیش ببریم که همه زبان‌آموزان بتوانند در بحث شرکت کنند و، سرانجام، با ایجاد انگیزه و محیطی با نشاط برای ادامه دادن کلاس، در زبان‌آموزان احساس خوشایند اعتماد به نفس را ایجاد کنیم. در اینجا خاطر نشان می‌کنیم که به دلیل وجود پاره‌ای موانع، که پرداختن بدان‌ها مجال دیگری می‌طلبد، استفاده از ترانه در کلاس‌های دانشگاه با دشواری‌هایی برای مدرس همراه است. از همین رو، بر آن شدیم تا شعر را جایگزین ترانه کنیم و بدینسان از اذرخوانی به عنوان کمک ابزار آموزشی در مباحث تخصصی‌تر، همچون دستور زبان تطبیقی بهره‌مند شویم. بایسته یادآوری است که ما، بین شعر و ترانه تفاوت قائل شده‌ایم. بنابر تعریف ارائه شده در فرهنگ لغت عمید، "شعر عبارت است از سخن منظوم، سخنی که دارای وزن و قافیه باشد" (عمید، ۱۳۷۳: ۷۷۱) و "ترانه عبارت است از سرود و نغمه". (همان: ۳۷۸).

در این پژوهش نمونه‌های کار شده در دانشگاه بر مبنای شعر و برای دانشجویان مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه در دانشگاه حکیم سبزواری در سال ۱۳۹۲، و در آموزشگاه زبان خارجی کیش ایر سبزواری در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، با تکیه بر ترانه مورد بررسی قرار گرفته است. ترانه در واقع ریشه در شعر دارد و برخی از قوانین شعر، هم‌چون قافیه و وزن، را رعایت می‌کند؛ اما نکته قابل توجه ارتباط ترانه با موسیقی است. وقتی ترانه با موسیقی همراه شد، ضرباهنگ و ملودی یا آهنگ آن را همراهی می‌کند. زبان بیان ترانه، زبانی ساده که بیشتر به محاوره نزدیک است، ولی در شعر ما بیشتر با زبانی ادبی مواجهیم. درک شعر در بیشتر موارد، مستلزم دانش ادبی است، حال آن‌که برای ترانه چنین امری ضروری نیست. نزدیکی زبان ترانه به زبان گفتار می‌تواند بیان‌کننده قرابت بیشتر ترانه با فرهنگ غالب بر جامعه باشد. آموزش زبان بر مبنای شعر می‌تواند در کلاس‌های دانشگاه و در سطوح بالا و هم‌چنین برای کلاس‌های تخصصی به کار بسته شود، ولی برای کلاس‌هایی که زبان‌آموزان آشنایی چندانی با زبان و ادبیات ندارند تدریس زبان، با تکیه بر شعر، ممکن است سخت و حتی مشکل‌ساز باشد.

ما در پژوهش میدانی خود در دانشگاه، در بارهٔ همراه‌سازی تدریس فنون زبان با شعر، در کلاسی با سطح زبان فرانسه B2 از اشعار فراوانی استفاده کردیم. از جملهٔ آن‌ها می‌توان به یکی از شعرهای زیبای پل الوار^۱ و ژاک پرهور^۲ با عنوان‌های به‌ترتیب، چشم‌های تو^۳ و صبحانه^۴ اشاره کرد که در دو جلسهٔ مجزا از هم با زبان‌آموزان کار شد و مورد مطالعه قرار گرفت. از زبان‌آموزان خواستیم که آن‌ها نیز نمونه‌ای از اشعار و ترانه‌هایی را که با مضمون دو شعر در ادبیات و زبان فارسی مطابقت معنایی و مضمونی دارند، معرفی کنند. در جلسهٔ بعدی با انبوهی از ترانه و اشعار فارسی روبه‌رو شدیم که از نظر معنایی و مضمون بسیار شبیه به دو اثر فرانسوی مورد بحث در کلاس فرانسه بود. برای مثال، شعر آبی خاکستری سیاه از حمید مصدق که به شعر الوار نزدیک بود و شعر فراق از احمد شاملو و تولدی دیگر از فروغ فرخزاد که به فضای شعری پرهور نزدیک بود. اشتراکات معنایی باعث شد تا احساس بسیار خوبی بین زبان‌آموزان ایرانی به وجود آید. دلیل بروز این احساس بیشتر به سبب وجود پاره‌ای قرابت‌های فرهنگی-ادبی بین دو کشور ایران و فرانسه است که هرچند بر روی نقشه هزاران کیلومتر با هم فاصله دارند، ولی از نقطه نظر فرهنگی و ادبی بسیار به هم نزدیکند. یادآور شویم که ما توانستیم با به‌کارگیری قرابت‌های فرهنگی و تکیه بر ازبرخوانی، جو خشک و کم‌جنب و جوش کلاس را به محیطی بانشاط و پویا بدل کرده و با جلب مشارکت همگانی به بسیاری از اهداف خود دست یابیم. البته باید خاطر نشان کرد که نیل به این اهداف، بدون تهیهٔ فیش‌های آموزشی و تکیه بر هر چهار مهارت اصلی، به‌ویژه مراجعه به متن مکتوب، امکان پذیر نمی‌شد. در این راستا، نقش مدرس را به‌عنوان رکن اساسی و راهبردی کلاس نباید از نظر دور داشت. ژاله کهنمویی‌پور، از اساتید با سابقهٔ زبان و ادبیات فرانسه در دانشگاه‌های ایران، باور دارد است: «اولین انتظاری که از معلم می‌رود، ایجاد محیط دوستانه در کلاس و جلب اعتماد دانش‌آموز است؛ یعنی محیطی سرشار از صحبت، تعاون، همکاری و رقابت سالم». (کهنمویی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳) ازبرخوانی به‌ما اجازه داد تا به‌نحوی مطلوب به این مهم دست یابیم.

در کار آموزش، بر مبنای منابع واقعی، مدرس بیشتر با مشکلاتی روبه‌رو است که شاید

۱. Paul Éluard شاعر سوررئالیست، متعهد و مبارز فرانسه (۱۸۹۵ - ۱۹۵۲)

۲. Jacques Prévert شاعر و فیلم‌نامه‌نویس سوررئالیست فرانسه ۱۹۷۷ - ۱۹۰۰

3. La courbe de tes yeux

4. Petit déjeuner du matin

یکی از مهم‌ترینشان، موانع اقتصادی و کمبودهای مالی مؤسسه و دانشگاهی باشد که در آن تدریس می‌کند. هر چند امروزه با پیشرفت فناوری، به‌نظر می‌رسد که کار برای مدرس و زبان‌آموز راحت‌تر شده است، اما واقعیت حاکم بر فضاهای آموزشی گویای چیز دیگری است. خرابی رایانه‌ها، پروژکتورها یا دستگاه‌های شنیداری و دیداری در آزمایشگاه‌های زبان از زمره دشواری‌هایی است که مدرس همواره با آن روبروست. نکته دیگر، محدودیت‌های اعمال‌شده بر روند فعالیت مدرس از جانب افرادی است که بیشینه، هیچ شناختی از مقوله زبان و شیوه‌های آموزش آن ندارند. مدرس باید پاسخگوی افرادی باشد که زبان خارجی مورد نظر را نمی‌شناسند و قضاوت‌هایشان در مورد ازبرخوانی شعر یا ترانه، تنها بر پایه نوع آهنگ و صدای خواننده‌ای است که می‌شنوند. دریافت برخی از مدیران ناآشنا به مسئله زبان این است که ازبرخوانی و آموزش به‌همراه موسیقی و ترانه، بیشتر در حکم نوعی سرگرمی برای اتلاف وقت از سوی مدرس است. این در حالی است که متخصصان نظر دیگری دارند، به‌عنوان مثال، پولیکن باور دارد:

"سه عامل مهم آهنگین بودن، قافیه داشتن و موزون بودن باعث می‌شوند تا ضریب به‌خاطر سپردن ترانه در قیاس با متن منثور چندین برابر راحت‌تر باشد. این امری است که پاره‌ای از پژوهشگران، مانند بالونوف^۱ و دگلن^۲ با صراحت بدان اشاره کرده و تأکید ورزیده‌اند که زبان، مقوله‌ای است متشکل از نوای گفتار^۳ و موسیقی، که با سازوکارهای عصبی-روانشناختی در نیم‌کره‌های مغز در ارتباط است. پژوهش‌های پژوهشگران عصب‌شناسی و عصب‌زبان‌شناسی نشان می‌دهد که فراگیری‌هایی که نشأت گرفته از فعالیت‌های مغزیند، عمر طولانی‌تری، از نظر ماندگاری، در حافظه دارند." (Poliquin, 1988: 10-11)

گفته‌های این کارشناسان نشان می‌دهد که تأثیر ترانه بر خلاف نظر ناآشنایان با امور مربوط به آموزش زبان، تا چه اندازه می‌تواند راهگشا باشد. در یادگیری زبان خارجی، هر چند که از برخوانی شگرد مفیدی است، اما تکیه صرف بر آن برای زبان‌آموزان کار بسیار دشواری است. تجربه ما در کلاس‌های آموزش زبان فرانسه بر مبنای ازبرخوانی گواه این نکته بود که در بازه زمانی سه ماه، بیش از نیمی از زبان‌آموزان توانستند شش ترانه را ازبر کنند؛ طرفه آنکه، شماری از آن‌ها مدعی شدند که به‌هنگام تلاش برای حفظ ترانه، دیگر اعضای خانواده نیز که هیچ

1. Balonov

2. Deglin

3. Prosodie

انگیزه‌ای برای یادگیری زبان فرانسه نداشتند بخش‌هایی از ترانه را حفظ کردند. جستار دیگر ما، حاصل فعالیت یک ساله در پنج کلاس یک آموزشگاه زبان خارجی است. گروه سنی زبان‌آموزان در این مؤسسه بین ۱۴ تا ۲۶ سال و کلاس‌ها مختلط است. به‌تعبیر دیگر، در کلاس‌های یادشده، جامعه زبانی، از نظر سطح زبان، همگن، و از نظر جنسیت، ناهمگن بود. جامعه آماری تشکیل‌دهنده این تحقیق ۱۰۰ نفر بود. انگیزه زبان‌آموزان برای یادگیری زبان فرانسه متفاوت بود، ولی در گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال می‌شد چنین دریافت که بیشترین انگیزه، علاقه شخصی به یادگیری زبان خارجی دوم، بعد از تسلط به زبان انگلیسی است؛ در گروه سنی ۱۸ تا ۲۶ سال، هدف اصلی زبان‌آموزان، آشنایی با زبان فرانسه برای دریافت مدرک معتبر و داشتن شرایط بهتر برای ادامه تحصیل در فرانسه یا کشورهای فرانسه زبان بود.

همه زبان‌آموزان، آموزش را از یادگیری الفبای زبان فرانسه آغاز کردند و هیچ آشنایی قبلی با این زبان نداشتند. یادگیری در آغاز برای آن‌ها کار دشواری بود، چرا که کلاس کاملاً به زبان دوم اداره می‌شد و زبان‌آموزان، کلماتی را ادا می‌کردند که معنایشان را نمی‌دانستند و در نتیجه، تلفظ صحیح این قبیل کلمات برایشان سخت بود. در این بخش از تدریس، از فیلم ویدئویی آهنگین ساده‌ای استفاده کردیم که در آن، شخصیت‌ها با زبانی ترانه‌وار به یکدیگر سلام و سپس خود را معرفی می‌کردند. بی‌درنگ مشاهده کردیم که درک موقعیت برای زبان‌آموزان آسان، و بعد از دیدن و شنیدن دوباره فیلم، تلفظ واژه‌ها نیز برایشان آسان‌تر شد. در نشست‌های پسین، همین روند را برای آموزش الفبا، اعداد، ملیت‌ها، شغل‌ها، اعضای بدن، رنگ‌ها و... ادامه دادیم، یعنی نخست، برای زبان‌آموزان واژگان جدید را خواندیم و آن‌ها تکرار کردند — به‌جز تعدادی بسیار اندک، بیشتر آن‌ها اشتباه‌های فاحشی در تلفظ داشتند — سپس به کمک ترانه مرتبط با مبحث، همان مطالب، این بار با ازبرخوانی آموزش داده شد. به‌روشنی مشاهده شد که در این بخش، اشتیاق به یادگیری به‌واسطه علاقه به ترانه بیشتر است.

البته باید خاطر نشان کرد که در انتخاب ترانه، مدرس باید دقت بسیاری به‌خرج دهد؛ یعنی بین ترانه‌های کلاسیک یا فولکوریک و معاصر، بهتر است با توجه به گروه سنی زبان‌آموزان و جنسیتشان، ترانه‌ای را انتخاب کند که مورد علاقه طیف بیشتری از زبان‌آموزان باشد. از آنجایی که ترانه‌های معاصر گویای دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های بیشتر جوانان است، به‌مدرسان توصیه می‌شود که در انتخاب ترانه، بیشتر بر روی ترانه‌های معاصر تأکید کنند. نتیجه به‌دست آمده در ترم یک آموزش زبان فرانسه، به‌کمک ترانه، گواه این بود که در یادگیری تلفظ صحیح واژه‌ها، ترانه کمک‌ابزار آموزشی بسیار توانمندی است که به‌یاری مدرس می‌شتابد. این امر در

میزان قبولی نهایی زبان‌آموزان کلاس، خود را به‌وضوح نشان داد. به‌نتایج حاصل از پژوهش‌های ما که در جدول زیر آمده توجه کنید:

نتایج حاصل از پژوهش‌های میدانی بر روی یادگیری تلفظ صحیح واژه‌ها در ترم اول

تعداد کل زبان‌آموزان	گروه سنی	جنسیت	نتیجه آزمون سنجش تلفظ صحیح واژگان
۱۶ نفر	۱۴-۱۸ سال	دختر	۱۳ نفر قبول / ۸۱,۲۵٪
۱۳ نفر	۱۴-۱۸ سال	پسر	۸ نفر قبول / ۶۱,۵٪
۲۱ نفر	۲۲-۱۸ سال	دختر	۱۸ نفر قبول / ۸۵,۷٪
۲۰ نفر	۲۲-۱۸ سال	پسر	۱۹ نفر قبول / ۹۵٪
۱۶ نفر	۲۶-۲۲ سال	دختر	۱۶ نفر قبول / ۱۰۰٪
۱۴ نفر	۲۶-۲۲ سال	پسر	۱۴ نفر قبول / ۱۰۰٪

بر مبنای این داده‌ها، در ترم اول و در بازه زمانی ۴۰ ساعت کلاس، با تکیه بر ازبرخوانی ۸ ترانه به‌منظور آموزش تلفظ صحیح واژه‌ها، ۸۸٪ قبولی داشتیم.

ترم دوم با ۸۸ زبان‌آموز که دوره قبل را با موفقیت پشت سر گذرانده بودند، آغاز شد. در این ترم ما با زبان‌آموزانی سر و کار داشتیم که حال دیگر اندکی با زبان فرانسه آشنا بودند؛ به‌تعبیر بهتر، از حیث شنیداری و به‌کمک ترانه، با ساختارهای ابتدایی چگونگی برقراری ارتباط و برخی واژگان و اطلاعات ضروری آشنا شده بودند و آواها و الفاظ را از هم تمیز می‌دادند، ولی هنوز در زمینه ساختارهای دستوری و شگردهای جمله‌سازی و نگارشی مهارت لازم را نداشتند. بدین ترتیب، در ترم دوم، کار سخت‌تری درپیش داشتیم، چرا که حالا دیگر

زبان‌آموزان مشتاق به یادگیری نگارش بودند، در حالی که اشرافی به دستور زبان فرانسه نداشتند و بیم آن می‌رفت که قواعد و دستور زبان سخت و نفس‌گیر زبان فرانسه، زبان‌آموزان مشتاق را دل‌سرد و مأیوس کند.

ترانه‌های انتخابی ما با میزان تسلط زبان‌آموزان به زبان فرانسه مطابقت داشت و با هدف اصلی کلاس، یعنی آموزش قواعد دستوری زبان فرانسه در یک راستا بود. ترانه‌ها را با توجه به ساختار و محتوایشان دسته‌بندی و هر یک را برای مبحثی جداگانه در نظر گرفتیم و بدین ترتیب به مجموعه‌ای از ترانه‌های طبقه‌بندی دست یافتیم که هر کدام قرار بود در مبحث دستوری مشخصی به کار بسته شوند. به عنوان نمونه، برای تدریس وجه اخباری و زمان‌های آن، اعم از حال، گذشته و آینده، ۱۲ ترانه در کلاس به مدت ۴۰ ساعت تدریس، و از زبان‌آموزان خواسته شد تا آن‌ها نیز با توجه به مباحث آموزش داده شده و همچنین زمان‌هایی که تا کنون فراگرفته‌اند جمله بسازند. در نشست‌های پایانی همان ترم، زبان‌آموزان قادر بودند بعد از شنیدن ترانه‌های جدید، زمان فعل‌های ترانه را تشخیص بدهند و با ابداع و خلاقیت، ترانه‌ای نو بسازند که جمله‌های آن کم و بیش صحیح و قابل قبول بود. تدریس زمان فعل‌ها و چگونگی صرف آن‌ها نیز که بنا به تجربه کار سختی بود، به کمک ترانه بسیار لذت‌بخش شد. البته، باید خاطر نشان کرد که استفاده از ترانه، تنها برای تدریس اولیه ساختارها بود و ما، بعد از تسلط زبان‌آموزان به چگونگی شکل‌گیری و ساختن یک فعل در زمان‌های گوناگون از طریق ترانه، از دیگر روش‌ها نیز استفاده کردیم. اما، به وضوح مشخص است که ماده اصلی آموزش، ازبرخوانی ترانه‌هایی بود که برای کلاس در نظر گرفته بودیم. نتیجه حاصل از این شیوه تدریس در امتحان نهایی بدین شکل بود:

نتایج حاصل از پژوهش‌های میدانی بر روی یادگیری دستور زبان فرانسه در ترم دوم

نتیجه آزمون سنجش ساختارهای دستوری	جنسیت	گروه سنی	شمار کل زبان‌آموزان
۱۲ نفر قبول / ۹۲,۳۰٪	دختر	۱۴-۱۸ سال	۱۳ نفر
۵ نفر قبول / ۶۲,۵۰٪	پسر	۱۴-۱۸ سال	۸ نفر
۱۶ نفر قبول / ۸۸,۸۸٪	دختر	۲۲-۱۸ سال	۱۸ نفر
۱۶ نفر قبول / ۸۴,۲۱٪	پسر	۲۲-۱۸ سال	۱۹ نفر
۱۵ نفر قبول / ۹۳,۷۵٪	دختر	۲۶-۲۲ سال	۱۶ نفر
۱۳ نفر قبول / ۹۲,۸۵٪	پسر	۲۶-۲۲ سال	۱۴ نفر

از مجموع ۸۸ زبان‌آموز کلاس ترم دوم، ۷۷ نفر موفق به پشت سر گذاشتن این ترم آموزشی شدند. درصد قبولی زبان‌آموزان در ترم دوم ۸۵,۷٪ بود.

برای شروع ترم سوم آموزش زبان فرانسه، زبان‌آموزان که اینک به ساختارهای دستوری پایه (صرف فعل، زمان فعل) مسلط بودند، می‌توانستند متون فرانسه را با تلفظ صحیح بخوانند. برنامه آموزشی برای ترم سوم نیز، تکیه بر کمک‌ابزار آموزشی از برخوانی با ترانه و با هدف افزایش دانش واژگانی و آشنایی با عبارات‌های روزمره رایج در زبان گفتاری بود. به بیان ساده‌تر، ما می‌خواستیم در این ترم دایره لغات زبان‌آموزان را از طریق آموختن مترادف‌ها، متضادها و هم‌خانواده‌ها افزایش دهیم. برای نیل به این هدف، یک‌بار دیگر از شگرد به‌خاطر سپاری واژگان کمک گرفتیم.

آشنایی زبان‌آموزان با عبارتهایی که در گفتمان روزانه فرانسوی زبانان به‌کار می‌رود و درک این عبارات‌ها، از راه مراجعه به فرهنگ لغت، چندان کار چندان آسانی نیست، چرا که این

قبیل اصطلاحات بیشتر در مسائل فرهنگی و طبقه اجتماعی فرانسویان ریشه دارد. انتخاب ترانه‌ها برای این بخش از آموزش، کار به مراتب مشکل‌تری بود، چون ما باید ترانه‌هایی را بر می‌گزیدیم که تا حدودی با فرهنگ ایران نیز هم‌خوانی داشته باشند. هر چند که کار این بخش کار سختی بود، اما برای زبان‌آموزان بسیار جذابیت داشت. آن‌ها، هم زبان می‌آموختند و هم در پی آن بودند تا به اشتراکات فرهنگی دو کشور ایران و فرانسه اشراف یابند. به این ترتیب، ما نیز به هدف خود که آموزش مهارت «چگونه بودن» و «چگونه اجرا کردن» بود رسیدیم. امتحان نهایی این ترم نیز، بعد از ۴۰ ساعت آموزش به کمک ازبرخوانی ۱۰ ترانه برگزار شد. جدول زیر خلاصه‌ای از نتایج این ترم را عرضه می‌کند:

نتایج حاصل از پژوهش‌های میدانی

بر روی آموزش مهارت چگونه بودن و چگونه اجرا کردن در دوره سوم

شمار کل زبان‌آموزان	گروه سنی	جنسیت	نتیجه آزمون سنجش واژگان	
۱۲ نفر	۱۴-۱۸ سال	دختر	۱۱ نفر قبول	۹۱,۶۶٪
۵ نفر	۱۴-۱۸ سال	پسر	۵ نفر قبول	۱۰۰٪
۱۶ نفر	۱۸-۲۲ سال	دختر	۱۴ نفر قبول	۸۷,۵٪
۱۶ نفر	۱۸-۲۲ سال	پسر	۱۵ نفر قبول	۹۳,۷۵٪
۱۵ نفر	۲۲-۲۶ سال	دختر	۱۵ نفر قبول	۱۰۰٪
۱۳ نفر	۲۲-۲۶ سال	پسر	۱۳ نفر قبول	۱۰۰٪

از مجموع ۷۷ نفر زبان‌آموز کلاس دوره سوم، ۷۳ نفر این نیمسال آموزشی را با موفقیت پشت سر نهادند. به تعبیر دیگر، درصد قبولی زبان‌آموزان در این ترم ۹۵,۴۸٪ بود.

بر پایه این تحقیق میدانی، سرانجام ۷۷ نفر از مجموع اولیه ۱۰۰ نفر زبان‌آموز، پس از گذراندن ۱۲۰ ساعت آموزش زبان فرانسه، موفق به کسب مهارت‌های شنیداری، گفتاری، نوشتاری و خوانداری در سطح بالا شدند. نتیجه موفقیت و قبولی ۷۷٪ از زبان‌آموزان به کمک ۲۰ ترانه، نشان می‌دهد که ازبرخوانی توانست به‌عنوان یکی از ابزارهای بسیار مفید عمل کند. تجربه ما در کلاس‌های آموزش زبان فرانسه طی چندین سال، بدون استفاده از شگرد ازبرخوانی، بیانگر این نکته بود که تعداد زبان‌آموزان از شروع دوره اول تا دوره‌های بعدی، به شدت با ریزش همراه است به گونه‌ای که مدرس، گاهی دچار احساس ضعف در برگزاری منظم کلاس‌ها می‌شود. اما تجربه این پژوهش به ما ثابت کرد که ازبرخوانی در قالب ترانه، می‌تواند به‌مثابه انگیزشی موثر در یادگیری زبان خارجی عمل کند. صرف‌نظر از این مطلب، باید یادآور شد که مراحل یادگیری همواره با نشاط، شور، هیجان و پویایی و تعامل فراوان بین زبان‌آموز و مدرس همراه بود.

نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت آموزش زبان خارجی بر کسی پوشیده نیست. در هر جامعه‌ای افرادیند که به دلایل گوناگون اقتصادی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی مشتاق یادگیری زبان خارجی‌اند. روش‌های بسیار آموزش زبان دوم از دیرباز تاریخ تا به امروز، همواره یکی در پی دیگری عرضه شده، چند صباحی با اقبال عام مواجه شده و سپس در پی عرضه رویکرد یا روش جدیدی به فراموشی سپرده شده یا از مد افتاده‌اند. هدف اولیه هر یک از این روش‌ها بهبود بخشیدن به مسئله آموزش زبان خارجی بوده است. در این میان، رویکرد ارتباطی از نمونه‌های موفق در بین دیگر رویکردهاست. این رویکرد به مدرسان اجازه می‌دهد تا از منابعی استفاده کنند که الزاما با نیت تدریس در کلاس آموزش زبان خارجی تهیه نشده‌اند. یکی از این منابع، ازبرخوانی ترانه‌هاست. ترانه کمک‌ابزار آموزشی مفیدی است که به جهت برخورداری از شاکله‌هایی همچون ضرباهنگ، قافیه‌دار بودن و امکان بهره‌بری از موسیقی می‌تواند در ازبر کردن و به‌خاطر سپاری سهولت فراوانی ایجاد کند. تجربه نشان می‌دهد که در یادگیری زبان خارجی، بیشتر زبان‌آموزان در شنیدن صحیح کلمات و پسامد آن، در تلفظ درست آن‌ها و به‌خاطر سپردنشان با مشکل روبه‌رویند. مشکل دیگر، یادگیری دستور زبان است که فعالیتی خسته‌کننده و خشک محسوب می‌شود. پژوهش‌های ما نشان داد که راهکار دیرینه استفاده از ترانه و ازبرخوانی، به دلیل جذابیتی که برای بسیاری از زبان‌آموزان، به ویژه قشر جوان دارد،

می‌تواند این کار دشوار را آسان، و کلاس خشک و بی‌روح را به محیطی بانشاط و پویا بدل کند.

منابع

بلیایف، بوریس واسلوویچ، روان‌شناسی آموزش زبان خارجی، ترجمه امیر فرهمند پور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.

پاسل، وان و ام دوگرو، «جایگاه زبان گفتاری و زبان نوشتاری در آموزش زبان»، ترجمه ابوالحسن سروقد، مجله علمی روش‌های آموزش زبان و مسائل زبان‌شناسی، ۱۳۶۵.

رحمتیان، روح‌الله و مرضیه مهرابی، فرهنگ توصیفی اصطلاحات آموزش زبان، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.

کهنمویی‌پور، ژاله، «آموزش زبان فرانسه و ایجاد انگیزه در زبان‌آموز»، مجله رشد آموزش زبان خارجی، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۱.

لطافتی، رویا و دانیال بسنج، «مباحثی در باب آموزش زبان»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۸۷.

مه‌کی، ویلیام فرانسیس، تحلیل روش آموزش زبان، ترجمه حسین مریدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

Hussaye, Jean, *Le triangle pédagogique*, Berne, Peter Lang, 1988.

Poliquin, Gaëtane, *La chanson et la correction phonétique*, Centre international de recherche sur le bilinguisme, Québec, 1988.

